



این روزها موضوع پیوستن یا نیوستن جمهوری اسلامی ایران به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، معروف به گات (GATT = General Agreement on Tariffs and Trade)، مورد بحث کارشناسان در نهادهای ذیربط دولتی و مطبوعات است و احتمال آن که ایران به گات بپیوندد کم نیست. یکی از بایستگیهای پیوستن به گات عضویت در کنوانسیون جهانی حق مؤلف است. عضویت در کنوانسیون جهانی حق مؤلف سالهاست که در میان صاحب نظران بحثهای بیشتر مخالف و کمتر موافقی را برانگیخته ولی چون دولتهای پیش و بعد از انقلاب اسلامی ایران این امر را ضروری و مهم تشخیص نمی دادند یا حس می کردند که عموم ناشران و حتی نویسندگان مایل نیستند ایران به این کنوانسیون و نهادهای مشابه بپیوندد ترجیح می دادند خود را به دردمرست نیندازند و سوء تفاهم و نفاق را که معمولاً بین دولتها و روشنفکران وجود داشت تشدید نکنند. ولی حالا، اگر کارشناسان و مقامات دولت تشخیص بدهند که منافع درازمدت ایران ایجاب می کند که به گات بپیوندیم و تصمیم بگیرند که چنین کنند، چاره ای جز عضویت در کنوانسیون جهانی حق مؤلف و زندگی کردن با استلزامهای آن نیست. از این رو لازم است موضوع عضویت در کنوانسیون مزبور به عنوان بخشی از موضوع کلی تر پیوستن یا نیوستن ایران به گات مورد بحث کارشناسان قرار گیرد و مضار و فواید کوتاه مدت و درازمدت آن نیک سنجیده شود. باید توجه داشت که پیوستن به گات با عضویت در کنوانسیون جهانی حق مؤلف و نهادهای مشابه، از قبیل کنوانسیون برن (The Berne Convention) و سازمان جهانی داراییهای معنوی (The World Intellectual Property Organization) يك فرق اساسی دارد: حوزه عمل این نهادها محدود به خلاقیتهای ادبی و هنری و فکری و نیز بازار فرآورده های ادبی و هنری و فکری است که مشغله و مسئله لایه بسیار بسیار نازکی از جامعه ایران است و، مهمتر از این، امکان آن که ملتی در جامعه جهانی ادب و هنر و اندیشه و نشر کتاب به صورت عضو رسمی مکلف به رعایت قوانین زندگی نکنند و داراییهای معنوی ملل دیگر را «کش» برود و لازم نباشد حساب پس بدهد هنوز موجود است. اما ملتی که زندگی اش، حتی نان شبش، از هر لحاظ به صادرات و واردات متکی است - و کدام ملتی است که در عصر حاضر کم و بیش چنین نباشد - مشکل بتواند از پیوستن به گات خودداری کند و ما نیز ناگزیریم که دیر یا زود به گات بپیوندیم. گات و صندوق بین المللی پول و بانک جهانی سه نهاد بین المللی اند که تنظیم و تنسيق روابط اقتصادی جهان را به عهده دارند و قوانین و قواعد آن را تدوین می کنند و در محتوای سیاستهای اقتصادی دولتهای عضو و غیر عضو به نحو مستقیم یا غیر مستقیم تأثیر تعیین کننده ای به جا

مسئله این است،

پیوستن یا نیوستن به میثاق حق مؤلف

ناصر ایرانی

کاری ضروری و درست نبود که خود همت و شهامت دست زدن به آن را نداشتیم و حالا روزگار دارد به جای ما تصمیم می‌گیرد؟ محکمترین استدلال مخالفان عضویت در کنوانسیون جهانی حق مؤلف این است که پرداخت حق طبع کتابهای مترجم به صاحبان خارجی آنها بار سنگینی بر دوش صنعت ضعیف نشر ما می‌گذارد که اگر آن را از نفس نیندازد حرکتش را کند و فعالیتش را بسیار محدود می‌کند.

این استدلال هم گاه شنیده می‌شود که کشورهای امپریالیستی دهها سال ثروت‌های ملی ما را به یغما بردند بگذار ما هم با نپرداختن حق طبع کتابهایشان بخشی از آن ثروت‌های به یغما رفته را پس بگیریم. این استدلال به قدری سخیف و غیر اخلاقی است که نیازی به رد کردن آن نیست. هیچ فرد یا ملتی حق ندارد به این بهانه که فرد یا ملت دیگری از دیوار خانه‌اش بالا رفته و اموالش را دزدیده است از دیوار خانه دزد بالا برود و اموال او را بدزدد. با وجود این ذکر این نکته‌ها بی‌فایده نیست که اولاً کنوانسیون جهانی حق مؤلف تنها محدود به کشورهای امپریالیستی نیست بلکه تمام کشورهای جهان را، اعم از غنی و فقیر، در بر می‌گیرد؛ ثانیاً این کنوانسیون و نهادهای مشابه از حقوق و اموال «کشورها» دفاع نمی‌کنند بلکه حقوق و اموال آفرینندگان و تولیدکنندگان آثار ادبی و هنری و فکری را پاس می‌دارند و خلاف اخلاق و مروت نیست که ملتی به خود اجازه دهد از جیب نویسندگان و هنرمندان و ناشران آثار آنان برداشت نماید تا بخشی از حسابی را که با «امپریالیستها» دارد تسویه کند؟ ثالثاً اگر قرار باشد که جهان بر مدار راهزنی دریایی (piracy) و بی‌قانونی بگردد بی‌تردید کشورهای قدرتمند توانایی بسیار بیشتری در چپاول بی‌حساب و کتاب پیدا می‌کنند. برای ملت‌های ضعیف همان بهتر که نهادهای جهانی، از قبیل سازمان ملل متحد، و میثاق‌های بین‌المللی، از قبیل گات و کنوانسیون جهانی حق مؤلف، با تمام ضعفها و نقص‌هاشان و علی‌رغم آنکه بسیار مورد سوءاستفاده قدرتهای بزرگ قرار می‌گیرند باقی بمانند چون تجربه نشان داده است که حضور و صدای کشورهای ضعیف و فقیر در نهادهای جهانی در حفظ حقوق و منافع ملیشان تأثیر زیاد داشته است. وجود قانون، حتی قانون ناقصی که زورمندان گاه‌گاه زیر پا می‌گذارند، برای فرد یا ملت ضعیف بهتر از بی‌قانونی است.

و اما این استدلال مخالفان عضویت در کنوانسیون جهانی حق مؤلف که پیوستن به کنوانسیون مزبور از لحاظ مالی بار سنگینی بر دوش صنعت نشر ما می‌گذارد بنفسه درست است. منتھی، در پاسخ به این استدلال درست، بد نیست ابتدا نگاهی به نمودار صفحه بعد بیندازیم:

می‌گذارند. از این رو دوری جستن از آنها بی‌فایده است، همچنان که دوری جستن از سازمان ملل متحد نیز بی‌فایده است. بسیاری از کشورهای جهان برخی از سیاستها و مصوبه‌های سازمان ملل را نمی‌پسندند یا به ضرر منافع ملیشان تشخیص می‌دهند، با وجود این هیچ کشوری خود را از عضویت در این سازمان و بهره‌گیری از تریبون آن و تلاش در جهت شکل دادن به سیاستها و مصوبه‌های آن محروم نمی‌کند. کاملاً محتمل است که بعضی از وجوه قوانین و مقرراتی که گات وضع می‌کند به ضرر این یا آن ملت یا گروهی از ملتها باشد اما چون قانونگذار روابط بازرگانی جهان گات خواهد بود خردمندانه‌ترین سیاستی که ماتهای مظلوم می‌توانند پیش گیرند این نیست که گات و به ویژه سازمان جهانی تجارت (The World Trade Organization) را که منبعث از گات است و به زودی کار خود را که نظارت بر حسن اجرای توافق‌های بین‌المللی است آغاز خواهد کرد یکسره به دست کشورهای پیشرفته قدرتمند بسپارند، بلکه آن است که به گات بپیوندند و از درون آن بکوشند تا منافع خود را پاس بدارند. گات گرچه تاکنون بیشترین توجهش را به حل مشکلات موجود در روابط بازرگانی کشورهای صنعتی پیشرفته معطوف داشته، به مشکلات بازرگانی کشورهای در حال رشد نیز بی‌توجه نبوده است. این نهاد در سال ۱۹۶۴ مرکز بین‌المللی تجارت را به وجود آورد که وظیفه‌اش گردآوری اطلاعات مربوط به بازارهای صادراتی و انتقال آن اطلاعات به کشورهای در حال رشد است. مرکز مزبور ضمناً به کشورهای در حال رشد کمک می‌کند تا برنامه‌هایی جهت توسعه صادرات تدوین و اجرا کنند. به هر حال انتظار می‌رود که گات طی ده سال آینده جهانبیان را بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار افزایش دهد و به یقین، اگر حذف تدریجی تعرفه‌های گمرکی و رفع سایر موانع بازرگانی آزاد همان نتایجی را حاصل کند که انتظار می‌رود، سهمی از این درآمد اضافی نصیب آن کشورهای در حال رشدی خواهد شد که قادرند در شرایط رقابت آزاد گلیم خود را از آب بیرون بکشند. به همین دلایل است که تاکنون بیش از ۱۴۰ کشور جهان به گات پیوسته‌اند و تعداد دیگری هم خواهان پیوستن به آن شده‌اند. مثلاً در همین روزهای اخیر کشورهای الجزایر و اردن و عربستان سعودی تقاضا کرده‌اند که به عضویت گات پذیرفته شوند و قطر نیز به عضویت دائم آن در آمده است.

نگارنده سر آن نداشت که در باب پیوستن یا نپیوستن جمهوری اسلامی ایران به گات قلم بفرساید. قصد او این بود که برساند اگر از پیوستن به گات گزیری نباشد از عضویت در کنوانسیون جهانی حق مؤلف هم چاره‌ای نیست و این پرسش را مطرح کند که آیا عضویت در کنوانسیون مزبور و نهادهای مشابه

کنوانسیونهای حق مؤلف و حفاظت حق مؤلف در جهان

(۲) سازمان جهانی داراییهای معنوی

(۴) مدت حفاظت حق مؤلف (به سال)

(۱) کنوانسیون برن

(۳) کنوانسیون جهانی حق مؤلف

نشانه «©» در نمودار زیر نشان دهنده عضویت در کنوانسیونهایی است که شماره‌های آنها در بالای جدول ذکر شده است. گروه‌بندی کشورها نیز مطابق گروه‌بندی کشورها در سالنامه آماری یونسکو است.

	۴	۳	۲	۱
بروندی			•	
بنین	۵۰		•	•
بورکینافاسو			•	•
تانزانیا			•	
توگو	۵۰		•	•
تونس	۵۰	•	•	•
جمهوری افریقای مرکزی			•	•
چاد	۵۰		•	•
رواندا			•	•
زامبیا	۲۵	•	•	
زئیر	۵۰		•	•
زیمباره			•	•
ساحل عاج	۵۰		•	•
سنگال	۵۰	•	•	•
سودان	۲۵		•	
سومالی			•	
سیرالئون			•	
غنا	۲۵	•	•	
کامرون	۵۰	•	•	•
کنگو	۵۰		•	•
کنیا	۲۵	•	•	
گابون	۵۰		•	•
گامبیا			•	
گینه	۸۰	•	•	•
لسوتو			•	
لیبریا	۲۵	•		
لیبی	۲۵		•	•
ماداگاسکار	۵۰			•
مالاوی	۲۵	•	•	
مالی	۵۰		•	•
مراکش	۵۰	•	•	•
مصر	۵۰		•	•

افریقا

	۴	۳	۲	۱
اردن	۳۰		•	
اسرائیل	۷۰	•	•	•
امارات متحده عربی			•	
اندونزی			•	
بنگلادش	۵۰	•	•	
پاکستان	۵۰	•	•	•
تایلند	۵۰		•	
ترکیه	۵۰		•	•
جمهوری دموکراتیک خلق کره	۳۰		•	
جمهوری کره	۵۰	•	•	
چین			•	
ژاپن	۵۰	•	•	•
سیرلانکا	۵۰	•	•	•
عراق			•	
عربستان			•	
فیلیپین	۵۰	•	•	•
قبرس	۵۰	•	•	•
قطر			•	•
کامبوج			•	
لائوس	۵۰	•		
لبنان	۵۰	•	•	•
مغولستان			•	
ویتنام			•	
هند	۵۰	•	•	•
یمن			•	
استرالیا	۵۰	•	•	•
فیجی	۵۰	•	•	•
نیوزیلند	۵۰	•	•	•
آنگولا			•	
افریقای جنوبی	۵۰		•	•
الجزایر	۲۵	•	•	
اوگاندا			•	

آسیا (شامل کشورهای عرب زبان)

اقیانوسیه

افریقا

۴	۳	۲	۱	
				آندورا
۶۰	•	•	•	اسپانیا
۷۰	•	•	•	اطریش
۵۰	•	•	•	ایتالیا
۵۰	•	•	•	ایرلند
۵۰	•	•	•	ایسلند
۵۰	•	•	•	بریتانیای کبیر
۵۰	•	•	•	بلژیک
۵۰	•	•	•	بلغارستان
۵۰	•	•	•	پرتغال
۵۰	•	•	•	جمهوری دموکراتیک آلمان
۷۰	•	•	•	جمهوری فدرال آلمان
۵۰	•	•	•	چکسلواکی
۵۰	•	•	•	دانمارک
۵۰		•	•	رومانی
۵۰	•	•	•	سوئد
۵۰	•	•	•	سوئیس
۵۰	•	•	•	فرانسه
۵۰	•	•	•	فنلاند
۵۰	•	•	•	لوکزامبورگ
۲۵	•	•	•	لهستان
۵۰	•	•	•	لیختنشتاین
۵۰	•	•	•	مالت
۵۰	•	•	•	مجارستان
۵۰	•	•	•	موناکو
۵۰	•	•	•	نروژ
۵۰	•	•	•	واتیکان
۵۰	•	•	•	هلند
۵۰	•	•	•	یوگسلاوی
	•	•	•	یونان

۴	۳	۲	۱	
		•	•	موریتانی
۵۰	•	•		موریشس
۵۰		•	•	نیجر
۲۵	•			نیجریه
۵۰	•	•		السالوادور
۵۰	•	•		ایالات متحده آمریکا
	•	•	•	باربادوس
	•	•	•	باهاماس
	•			بلیز
۸۰	•	•		پاناما
		•		جامائیکا
۳۰	•			دومینیک
	•			سنت وینسنت و گرنادا
۵۰	•	•	•	کاستاریکا
۵۰	•	•	•	کانادا
۲۵	•	•		کوبا
۵۰	•	•		گواتمالا
۵۰	•	•	•	مکزیک
۲۵	•	•		نیکاراگوئه
۲۵	•	•		هایتی
		•		هندوراس
۵۰	•	•	•	آرژانتین
۴۰		•	•	اروگوئه
۵۰	•			اکوادور
۶۰	•	•	•	برزیل
۵۰	•	•		پاراگوئه
۵۰	•	•		پرو
		•	•	سورینام
۳۰	•	•	•	شیلی
۸۰	•	•		کلمبیا
۵۰	•	•	•	ونزوئلا
۲۵	•	•		اتحاد جماهیر شوروی
		•		جمهوری سوسیالیستی اوکراین
		•		جمهوری سوسیالیستی بلوروسی

اقتباس از: «کتاب راهنمای قوانین حق مؤلف»، از انتشارات مؤسسه امور فرهنگی، ژان، ۱۹۸۷.
نقل از Asian Book Development، سال ۱۹۸۷، دوره ۱۸، شماره ۳.

معمول بوده، نشان می‌دهد که مجموعاً ۱۲۸ کشور جهان عضو يك يا دو یا هر سه کنوانسیون و سازمان جهانی دفاع از حق مؤلف اند، و نیز نشان می‌دهد که تمام همسایگان ما، جز جمهوری

این نمودار که در سال ۱۹۸۷ تهیه شده و به همین دلیل نام کشورها در آن به همان صورتی است که تا پیش از فروپاشی امپراطوری شوروی و نظام سوسیالیستی در اروپای شرقی

افغانستان و امیر نشین بحرین و سلطان نشین عمان، دست کم در یکی از سه نهاد مزبور عضویت دارند.

البته درست است که اگر عضو کنوانسیون جهانی حق مؤلف بشویم هزینه تولید کتابهای مترجم به اندازه مبلغی که باید به دارندگان خارجی حق طبع آنها بپردازیم افزایش می یابد، ولی این مبلغ اضافی هزینه بر حقی است که پرداخت آن به حکم اصول عام اخلاق و قوانین بشری به عهده ماست. درست مثل پرداخت هزینه های کاغذ و لیتوگرافی و چاپ و صحافی، و هر ناشر شریف درستکاری همچنان که به خود اجازه نمی دهد در مثل بهای کاغذ را، هر چند که به مقیاس خطرناک و بحران زایی افزایش یافته باشد، به فروشنده آن نپردازد یا اگر دستش رسید آن را کش برود می بایست پرداخت حق طبع کتابهای خارجی را هم بر ذمه خود بداند و بکوشد تا بار خود را با تحمل مردانه و شرافتمندانه تمام سنگینی هایش به منزل برساند. اگر او به بهانه گران بودن کالاها و خدماتی که در تولید کتاب به آنها نیاز دارد و با این استدلال که می کوشد تا حتی الامکان کتاب را ارزانتر در آورد خود را از پرداخت هر بخشی از هزینه های تولید و از جمله حق طبع کتابهای مترجم به دارندگان آنها معاف دارد زندگی حرفه ایش را بر مبنای اصول اخلاقی کسی متکی کرده است که چون می خواهد آسوده تر و بهتر زندگی کند به خود اجازه می دهد برخی از نیازهایش را از قفسه های دور از چشم مغازه ها «برداشت» کند.

این نوع اصول اخلاقی شایسته فرد یا ملت زنده شریف نیست. فرد یا ملت زنده شریف به اندازه نیازهایش ثروت تولید می کند و چون تولید ثروت به اندازه نیازهای موجه انسان امروزی کاری است سخت مشکل و نیازمند آن است که فرد یا ملت بکوشد تا حداکثر تواناییهای خود را کشف کند و به کار گیرد او معمولاً هفت شهر عشق را پشت سر می گذارد در حالی که فرد یا ملت تبیل بی فضیلت هنوز اندر خم یک کوچه است.

صنعت نشر کتاب ما هم اکنون با بحرانهای ناشی از حذف سو بسیدهای دولتی و گرانی بی سابقه کالاها و خدمات مورد نیازش روبه روست. می شود این طور هم گفت که صنعت نشر کتاب ما چون تاکنون از یک سو مقداری از سنگینی اش را روی دوش ملت انداخته بود و از سوی دیگر بار پرداختن حق طبع کتابهای مترجم را هم بردوش نداشت ناچار نبود حداکثر ظرفیتهای و تواناییهای با توه اش را کشف کند و به کار گیرد و لذا رشد کافی پیدا نکرده است و به همین دلیل حالا که سو بسیدهای دولتی به میزان زیاد کاهش یافته و بعید نیست بیش از اینها هم کاهش یابد و گرانی کالاها و خدمات نیز بیداد می کند دچار بحران و وحشت شده است.

شاید چنین به نظر برسد که در اوج این بحران به میان کشیدن

موضوع عضویت ایران در نهادهای مدافع حق مؤلف که به یقین مستلزم پرداخت پول قابل توجهی است خردمندانه نباشد. ولی نکته مهمی که باید در نظر داشت این است که ما حتی اگر همین امروز به گات پیوندیم ناچار نیستیم که بلافاصله عضو کنوانسیون جهانی حق مؤلف یا نهادهای مشابه آن شویم. می توانیم، اگر لازم بدانیم، فرصت مثلاً دهساله ای برای عضویت در یک یا تمام نهادهای مزبور طلب نماییم. بدین ترتیب فرصت کافی پیدا می کنیم تا، ضمن آنکه بحرانهای موجود در صنعت نشر کشورمان را از پیش پا برمی داریم، خود را از هر لحاظ آماده زندگی آبرومند و مناسب شأن ملت بزرگمان در جامعه جهانی ادب و هنر و اندیشه و صنعت نشر کتاب کنیم.

همچنان که در ابتدای مقاله گفته شد مسئله پیوستن جمهوری اسلامی ایران به گات موضوع عضویت کشورمان در نهادهای مدافع حق مؤلف را به میان کشیده و سنجش جوانب مفید و مضر آن را از دیدگاههای مختلف ضروری ساخته است. نگارنده با اغتنام این فرصت در صدد برآمده است که در مقاله حاضر این نظر خود را بیان کند که عضویت در نهادهای مدافع حق مؤلف و نیز حذف سو بسیدهای دولتی نه تنها بنفسه ضرر به زنده و کمر شکن نیست بلکه ممکن است رشددهنده و نیروبخش هم باشد.

در کمر شکن نبودن عضویت در نهادهای مدافع حق مؤلف، که آن هم البته نوعی استفاده از سو بسید است، منتهی سو بسیدی که به زور و بدون رضایت دارندگان حق طبع کتابهای مترجم از آنان گرفته می شود، می توان از نوع استدلال «آفتاب آمد دلیل آفتاب» سود جست و گفت، همچنان که نمودار چاپ شده در این مقاله نشان می دهد، اگر عضویت در این نهادها کمر صنعت نشر را در شیخ نشینهای خلیج فارس و در کشورهای فوق العاده کوچک یا فقیری نظیر یمن در آسیا، فیجی در اقیانوسیه، بنین و بورکینافاسو و برونڈی و چاد و سومالی در افریقا، و بلیز و کوبا و السالوادور و گرانادا و اکوادور و پرو و سورینام در قاره امریکا نشکسته است بی تردید کمر صنعت نشر را در کشور ما هم که یکی از مراکز بزرگ تمدن و فرهنگ بشری بوده است و از ثروتهای بالفعل و بالقوه فراوانی نیز برخوردار است نخواهد شکست.

حقیقت این است که بحرانهای اقتصادی موجود ما، و از جمله بحران صنعت نشر، تا حد زیادی ناشی از این است که ما تا کنون بیشتر با سوبسید زندگی ورشد کرده ایم. یعنی عمدتاً با دلار نفتی کمتر از هفت تومان، و در نتیجه در بیشتر بخشهای صنعتی به جای آنکه با توسل به روشهای پیشرفته مدیریت و بهره‌گیری بخردانه از تکنولوژی جدید به راستی ارزش اضافی تولید کنیم و ثروتمندتر شویم با اتکا به منابع ذیقیمت نفت صناعی به وجود آورده ایم که کل هزینه‌های واقعی آنها، از نان و شکر و گوشتی که کارگران می‌خورند تا استهلاک ماشین‌آلات صنعتی، از کل درآمدهای واقعی‌شان بسی کمتر است. و حالا که به هر دلیل درآمدهای نفتی کشور به شدت کاهش یافته نمی‌توانیم مثل گذشته با تزریق پول به صورت سوبسیدهای مختلف صنایعمان را سرپا نگه داریم و دچار وضعی بحرانی و دشوار شده ایم.

صنعت نشر کشورمان نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. از بخش دولتی این صنعت که بهتر است سخنی نگوئیم. بخش دولتی صنعت نشر چون تقریباً تمام هزینه‌هایش را از کیسه ملت خرج می‌کند امکان آن را داشته است که ندانمکاری در سطح مدیریت و اتلاف نیروی انسانی و ریخت و پاشهای مالی را به سطحی باورنکردنی برساند. به عبارت دیگر یک کوه پول خرج کند و یک موش کتاب بزیاید. این واقعیت بر اهل کتاب پوشیده نیست و ذکر مثال کاری است زائد.

و اما بخش خصوصی صنعت نشر کشور ما هم تا آن حد که در توان این صنعت بوده رشد نکرده است. به عقیده من اگر هنوز قسمت عمده‌ای از این بخش به دست کسانی می‌گردد که دانش و تخصص لازم برای مدیریت نشر را ندارند؛ اگر انتخاب کتاب، چه نومایه و تألیفی و چه مترجم، هنوز عمدتاً مبنای مقبولی ندارد و کمتر ناشری است که قادر باشد در میان هزاران هزار کتابی که هر ساله در دنیا منتشر می‌شود سمین را از غث و مفید را از مضر تشخیص دهد و معمولاً کتابی را به چاپ می‌رساند که، خوب یا بد، بر او وارد می‌شود؛ اگر کتاب کهنه و به درد نخور فراوان انتشار می‌یابد یا کتابهای مفید گاه به صورتی ترجمه و منتشر می‌شود که خواننده اصلاً پشیمان می‌شود که آنها را خریده است؛ و بالأخره اگر ناشران هنوز این نیاز را حس نکرده‌اند که نظامی منطبق با اصول پیشرفته بازاریابی جهت توزیع کتاب به وجود آورند تا حد زیادی ناشی از سوبسیدهای دولتی (کل سوبسیدها را در نظر دارم) و معاف بودن از کسب اجازه لازم برای ترجمه و انتشار کتابهای خارجی و پرداخت حق طبع آنهاست. این دو عامل باعث شده است که صنعت نشر کشورمان خود را ناگزیر نیابد که حداکثر تواناییها و ظرفیتهای بالقوه‌اش را کشف کند و به کار گیرد و در نتیجه رشد کند.

تصریح این نکته لازم است که گرچه دست و پنجه نرم کردن با مشکلات و موانع لازم‌رشد است، مشکل و مانع بنفسه‌رشدنده نیست. در عین حال تجربه بسیاری از ملتها، و از جمله ملت خودمان، نشان داده است که زندگی و رشد متکی بر سوبسید، در صورتی که نتواند از سوبسید بی‌نیاز شود، سرانجام روزی منابع سوبسید را به انتها می‌رساند و خود به بن‌بست می‌رسد و چه بسا که فرو بپاشد.

ما اکنون در آستانه بن‌بستیم، و حتی اگر بهای نفت باز افزایش پیدا کند که لابد در آینده افزایش پیدا خواهد کرد تنها مدتی کوتاه، تا پایان یافتن ناگزیر درآمدهای سرشار نفت، از خطر فروپاشی مصون می‌مانیم.

خردمندانه‌ترین راهی که می‌توانیم پیش بگیریم این است که از همین حالا که هنوز درآمدهای سرشار نفت موجود است و نیازی نیست که بر مردم محرومیتها و رنجهای طاقت‌شکن تحمیل شود به حذف تدریجی سوبسید از زندگی ملیمان بپردازیم و به جای خرج کردن از کیسه‌ای که فردا موجودی‌اش ته خواهد کشید فعالیتهای اقتصادیمان را به گونه‌ای سازمان دهیم و اداره کنیم که بتواند به اندازه نیازهای موجه‌مان، و بل بیش از آن، ثروت تولید کند.

البته این احتمال وجود دارد که حذف سوبسیدها و گرانی کالاها و خدمات، به ویژه اگر دست به دست هزینه‌های ناشی از عضویت کشورمان در نهادهای مدافع حق مؤلف بدهد، کمر صنعت نشر کتاب را چنان بشکند که دیگر نتواند قد راست کند. اما نگارنده با توجه به نیاز واقعی جامعه ایران به کتاب و تواناییها و ظرفیتهای بالفعل و بالقوه خود صنعت نشر که هیچ نباید آن را دست کم گرفت بر این عقیده است که آفرینندگان و تولیدکنندگان کتاب در کشورمان بحرانهای فعلی را که با موفقیت پشت سر خواهند گذاشت هیچ، از پس هزینه‌های ناشی از عضویت ایران در نهادهای مدافع حق مؤلف که بر خواهند آمد هیچ، از طریق دست و پنجه نرم کردن با این مشکلات و موانع صنعت نشر کتاب را در ایران به رشدی خواهند رساند که این صنعت شایسته آن است.

دعوت عام از صاحب‌نظران

نشر دانش علاقه‌مند است که نظرهای موافق و مخالف در مورد پیوستن یا نبودن جمهوری اسلامی ایران به میثاقهای حق مؤلف را درج کند تا جوانب قضیه از هر لحاظ سنجیده شود. مقالات مستدلی که در این باب به دفتر نشریه برسد از شماره آینده به چاپ می‌رسد.